

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۴۲۴ - ۴۴۰

### سکوت ممدوح و مذموم از دیدگاه آموزه های تربیتی اسلام

عزیز عبادی<sup>۱</sup>

مریم عسگری<sup>۲</sup>

عارف مظلومی<sup>۳</sup>

امیرحسین عطارزاده<sup>۴</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۵</sup>

## چکیده

زبان و سخن، ملاک و معیار عقل و انسانیت آدمی است. خداوند از آدمی خواسته است تا همواره نگهبان زبان خویش باشد و در پاسبانی از آن دمی کوتاهی نرزد؛ زیرا هر آن چه آدمی بر زبان می راند به نگهبانی از سوی خداوند ثبت و

۱ . کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، مرکز پیام نور شهر اهواز، استان خوزستان، ایران، معلم و فعال فرهنگی،  
Azizarvand<sup>۹۸</sup>@gmail.com

۲ . سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، حوزه علمیه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، شهرستان دلجان، استان مرکزی، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، maryamasgari<sup>۷۰۹۷</sup>@gmail.com

۳ . طلبه پایه هفت حوزه علمیه، پژوهشگر و فعال فرهنگی، arefmazlomi<sup>۱۳۶۷</sup>@gmail.com

۴ . کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن، دانشگاه یزد، استان یزد، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،  
ah.attarzade@gmail.com

۵ . استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، پژوهشگر و طلبه حوزه علمیه قم، نویسنده مسؤول،  
kariminia@quran.ac.ir

ضبط می‌شود و در دادگاه دادگر بدان رسیدگی شده و بازخواست می‌گردد. چنان که میزان ارزش گذاری وی نیز همین سخنان خواهد بود. آیا هر سکوتی از نظر اسلام درست است؟ در منابع دین اسلامی بر سکوت به عنوان یک راه حل برای تفکر و دوری از کلام باطل و بیهوده گفتن و در نهایت دور کننده شیطان و کمک کننده بر امر دین تاکید شده است. هدف از انجام این تحقیق، تبیین مصادیق سکوت از منظر اسلام است. نتیجه آن که سکوت گاهی مثبت و ممدوح، و گاهی منفی و مذموم می‌باشد. استفاده منطقی از آن، پسندیده و منشأ اثرات ارزشمندی برای انسان است. انتخاب نابجای آن نیز مذموم است و اثرات بدی دارد. منظور از سکوت در این پژوهش، تنها سکوت گفتاری نیست؛ بلکه هرگونه خودداری از واکنش حرکتی یا حتی پرهیز از واکنش احساسی و قلبی نیز سکوت نامیده شده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. منابع مورد استفاده در این پژوهش، قرآن، نهج‌البلاغه، نظر صاحبان اندیشه و کتب حدیثی می‌باشد. این تحقیق با نگاهی متفاوت به بحث سکوت، آن را موضوع‌بندی و تحلیل نموده است. مباحثی هم‌چون مصادیق «سکوت منفی» و سکوت مثبت را مورد بررسی قرار داده است.

## کلید واژه ها: قرآن کریم، تبیین، سکوت ممدوح، سکوت مذموم

### مقدمه

«سکوت» از مسائلی است که در سطح فردی و گروهی دارای آثار اخلاقی و تربیتی می‌باشد. از این رو این تحقیق به تبیین مصادیق سکوت از منظر اسلام و ارائه آثار تربیتی آن می‌پردازد. در همه رفتارهای انسانی، رفتار عاقلانه و دوری از رفتار جاهلانه در اسلام مورد اهمیت و تأکید می‌باشد. سکوت و اظهار نظر به عنوان یک رفتار انسانی از این امر مستثنی نیست. سکوت در دو دسته کلی عاقلانه و مفید و جاهلانه و ضرر زننده مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر سخن و سکوتی گاه اثر مثبت دارد و گاه اثر منفی که هر دو از عقل نشات گرفته اند. هر سکوت و اظهار نظری باید به جا و سنجیده باشد. در پژوهش حاضر تبیین مصادیق سکوت را در دو سر فصل اصلی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- ۱- سکوت پسندیده (ممدوح) آثار و عواقب آن از منظر اسلام؛ ۲- سکوت ناپسند (مذموم) آثار و عواقب آن از منظر اسلام. بنابر دستور دین اسلام زبان را باید از دروغ، تهمت، غیبت، هرزه‌گویی و سخن‌چینی بازداشت. در جایی که

حق در حال ضایع شدن باشد و یا ظلمی روا داشته شود، سکوت در برابر این مسائل مورد تأیید اسلام نبوده و جایز نیست. نمونه ای از سکوت ناپسند که در قرآن کریم با واژه «کتمان» بیان شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ  
اللَّعْنُونَ، (بقره / ۱۵۹)؛

کسانی که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده ایم بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب توضیح داده ایم، نهفته می دارند، آنان را خدا لعنت می کند و لعن تکنندگان لعنتشان می کند».

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی سکوت

کلمه سکوت در کتب مختلف لغوی ذکر شده و تقریباً تمام معانی که برای آن استعمال شده است یک مفهوم را می رساند و آن «خاموشی (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۶، ص ۱۱۲۰) و عدم اظهار عقیده» است. در اصطلاح به معنای «بازگو نکردن احساسات نظر و عقیده و اطلاعات» می باشد. (حسن انوری، بی تا، صفحه ۱۳۱).

### ۱-۲. معنای لغوی و اصطلاحی تبیین

تبیین در لغت به معنای: بیان کردن، روشن کردن و توضیح می باشد. (معین، ۱۳۸۶، ص ۸۵۷).

تبیین در اصطلاح: از ماده «بین» به معنای فاصله میان دو چیزی است. سپس به معنای جدایی و آشکار شدن و بعداً در هر کدام از این دو معنا به طور جداگانه به کار رفته است؛ گاه به معنای جدایی و گاه به معنای ظهور و آشکار شدن. واژه «تبیین» در بسیاری از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف و وضوح آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۳).

### ۱-۳. مفهوم سکوت ممدوح و مذموم

سکوت منصفانه و مستمعانه و پویا در برابر قرائت کتاب تدوینی تا با سامعه سر پیام الهی شنیده شود، چنین سکوتی خود، ذکر است و سکوت مخاطبانه و منتظرانه و جویا در برابر قرائت کتاب تکوینی تا صدای تسبیح فرشتگان و سایر موجودهای نظام کیانی با سمع دل شنیده شود که چنان سکوتی نیز، ذکر و فکر و شکر خداست، اما سکوت ساکنانه و راکدانه و ایستا جز سهو، ذهول و نسیان اثر مثبت نخواهد داشت. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۰).

## ۲. مصادیق سکوت پسندیده (ممدوح، مثبت) از منظر اسلام

در اسلام، هر کاری که با قصد قربت خدا، انجام گیرد، از ثواب الهی بهره مند می شود، و اگر بدون قصد قربت باشد، ثوابی بر آن مترتب نیست. بعضی از کارها هستند که اگر با قصد قربت هم نباشد، (مثل اینکه از روی عادت باشد)، اثر وضعی آن کار، نتیجه خوبی دارد، مانند سکوت از غیبت، تهمت، افتراء، دروغ و غیره که اگر حتی از روی عادت هم باشد، چون زبان از چنین گناهای حفظ می شود، پس سود دارد؛ گرچه اگر به قصد قربت باشد از ثواب های عظیمی بهره مند می شود. سکوت و حفظ زبان بهترین وسیله برای کنترل باطن و ظاهر در اجرای برنامه سلوک است و خودداری از کلام غیر لازم عقل و فکر را بارور و انسان را از لغزش و گناه سالم نگه می دارد.

### ۲-۱. سکوت حکمت

گاهی فرزندانمان سؤالاتی می پرسند که به دلایلی از پاسخ دادن امتناع می ورزیم. دلیل آن بی اطلاعی نیست، بلکه ممکن است پاسخ در خور فهم آنها نباشد. سکوت ما در برابر کاری که کودکان انجام می دهند، می تواند نشانه تأیید آن کار یا چشم پوشی از بدی آن باشد. گاهی اوقات مخاطب ما فرد جاهلی است که سخن گفتن با او نه تنها سودی ندارد، بلکه مضر و بی فایده است. گاهی شرایط زمان و مکان ما را وادار به سکوت می کند: «لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ»؛ به عبارتی دیگر: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد».

### ۲-۲. سکوت تقیه

سکوتی است که از سر ناچاری و ناگزیری اتخاذ می شود، چنان که در قرآن کریم می فرماید:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَهُ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ، (سوره آل عمران / ۲۸)؛

نباید مؤمنان کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند او را با خدا رابطه ای نیست. مگر اینکه از آنها بیمناک باشید. و خدا شما را از خودش می ترساند که بازگشت به سوی اوست».

### ۲-۳. سکوت تربیت و تهذیب

در مکتب اسلام و آموزه های تربیتی آن سکوت جایگاه ویژه ای دارد. این عمل می تواند برای خود شخص موجب تزکیه نفس باشد و برای دیگران تربیت را به همراه داشته باشد. تربیت اسلامی پرورش صفاتی است که موجب کرامت نفس واقعی انسان می شود. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱). در بعضی مواقع، سکوت عملی پسندیده است که می تواند در جهت پرورش انسان به کار بسته شود. سکوت رازداری یکی صفات پسندیده تربیتی است که در فرمایش امام علی علیه السلام به آن اشاره شده است:

«آنچه با سکوت از دست می دهی، آسانتر از آن است که با سخن از دست برود؛ چرا که نگهداری آنچه در مشک است، با محکم بستن دهانه آن امکان پذیر است»، (نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ص ۵۳۳).

### ۲-۴. سکوت موجب تعمق تفکر و استواری عقل

خاموشی و سکوت زمانی مطلوبیت خود را پیدا می کند که از سر اندیشه و عقل باشد، وگرنه هیچ گاه مطلق سکوت و خاموشی دائم، پسندیده نیست. یکی دیگر از آموزه های تربیتی «کم گویی» است؛ یعنی بسیاری از سخن ها را می توان با سکوت معاوضه کرد. امام علی علیه السلام این صفت را نشانه کمال عقل معرفی فرموده اند:

«إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ»

چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود»، (نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ص ۶۳۹).

ابن ابی الحدید ذیل کلام این روایت را آورده است:

«اگر مردی را دیدید که سکوت طولانی دارد و از مردم می گریزد، پس به او نزدیک شوید (با او دوست شوید). همانا او به شما حکمت می آموزد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۸، ص ۲۱۷).

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُؤْمِنَ صَمُوتًا فَادْنُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِي الْحِكْمَةَ وَالْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرُ الْعَمَلِ وَالْمُنَافِقُ كَثِيرٌ الْكَلَامُ قَلِيلُ الْعَمَلِ، (نراقی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۵۱)؛

هنگامی که مؤمن را خاموش ببینید، به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القا می کند، و مؤمن کمتر سخن می گوید و بسیار عمل می کند، و منافق بسیار سخن می گوید و کمتر عمل می کند».

از این روایت به خوبی استفاده می شود که رابطه دقیق بین باور شدن فکر و اندیشه با سکوت وجود دارد. هنگامی که انسان سکوت پیشه می کند، این نیروها متمرکز می گردد و فکر و اندیشه را به کار می اندازد و حکمت را به سوی انسان می گشاید. به همین دلیل، مردم سخن گفتن بسیار را دلیل کم عقلی می شمارند و افراد کم حرف و سخن های بیهوده بسیار می گویند. (مجلسی، ترجمه عطار دی قوچانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۹۹).

## ۲-۵. سکوت افضل از سخن بیهوده

سکوت در مقایسه با سخن گفتن بیهوده و لغو یا غیبت، تهمت و سخن چینی [که از گناهان کبیره هستند] بسیار فضیلت دارد و غالب انسان ها هم یا از امور بیهوده و بی ارزش سخن می گویند، یا سخن آنان غیبت و تهمت وغیره است. بنابراین سکوت برای غالب انسان ها افضل است و روایات مذکور، ناظر به این حکم غالبی است، اما اگر افرادی بتوانند نیکو و بجا سخن بگویند و سخن آنان حکمت، علم، امر به معروف، نهی از منکر باشد، چنین سخن گفتن البته بهتر از سکوت است. بعضی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سنگریزه ای در دهان خود می گذاشتند و هرگاه می خواستند حرف بزنند، ابتدا فکر می کردند، سپس اگر آن حرف برای خدا، در راه خدا بود، سنگریزه را بیرون آورده و آن حرف الهی را بر زبان می راندند و سپس به خاموشی فرو می رفتند، اما اگر پس از فکر در می یافتند، آن حرف برای خدا نیست که خاموشی ادامه می دادند، (همدانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۰).

بدون شک سبب هلاکت و نجات مردم سخن و خاموشی است. شخصی که با کلام و شایعه مردم را ترسانده و یا شخصیتشان او را از آنان گرفته و برای اسارت بندگان حق، به هزاران خدعه و نیرنگ از طریق کلام توسل جسته و یا با کلام باطل هزاران بنده ی حق را به گمراهی کشانده، آیا جز این است که خود را به هلاکت ابدی دچار کرده؟! شخصی که با سخن خود مال مردم را غارت برده جان شیرین جاندار را از او گرفته و عرض و آبروی آبرودار را به باد داده، آیا خود را به چاه هلاکت نیانداخته است؟! ولی کسی که از

تمام این امور خاموش بوده در حقیقت سبب نجات خود را فراهم کرده است و در پیشگاه حضرت دوست برای خود کسب آبرو کرده است. (طبرسی، ترجمه عطاردی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۶).

شخصی از حضرت رسول اکرم الله علیه و آله و سلم سؤال کرد:

«راه نجات چیست؟ حضرت فرمودند: زبان خود را نگهدار»، (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴۸).

روایت است هر روز صبح زبان به اعضا می گوید:

«کیف أصبَحْتُم؟ چگونه داخل صبح شدید و حال شما چگونه است؟ آنها به زبان می گویند: اگر تو ما را به

حال خود بگذاری و امر ما به خیر و خوبی است»، (همان، ص ۲۵۰).

ضد همه آفات زبان و مفاسد آن، صمت و خاموشی است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت

شده است:

«علامت نیکوی اسلام مرد آن است که عمل بی فایده را ترک کند»، (مهدوی کنی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۰).

و نیزه از آن حضرت روایت شده که فرمود:

«خوشا به حال کسی که زیادی شکمش را نگه دارد و زمان زیادی زبان را رها کند و زیادی مالش را به

مصرف برساند»، (مهدوی کنی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۰).

روزی آن حضرت در مسجد رو به مردم فرمودند:

«اولین کسی که از این در وارد شود، مردی از اهل بهشت است. مردم نگاه به در مسجد می کردند که مردی

داخل شد مردم از او پرسیدند: ما را به بهترین عمل خود که به آن امید داری خبر ده. گفت: من مردی کم

عمل هستم. محکم ترین چیزی که به آن امیدوار هستم سلامتی نفس و ترک چیزهای بی فایده بخصوص

سخن بی فایده است»، (همدانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۲).

شخصی از لقمان پرسید: دانایی و حکمت تو چه چیز است؟ گفت: من از چیزی سؤال نمی کنم که از آن

کفایت شده ام و چیز بی فایده را بر خود نمی بندم. (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴۸).

امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «غضب را با سکوت مداوا کنید»، (همان، ص ۲۵).

همچنین می فرمایند: «زبان مؤمن پشت قلب او و قلب منافق پشت زبان او است»، (همان، ص ۲۴۸).

## ۲-۶. سکوت هنگام تلاوت قرآن

زمانی که قرآن خوانده می شود، سکوت در برابر قرآن لازم است:

«وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (سوره اعراف / ۲۰۴)؛

هنگامی که قرآن خوانده می شود گوش فرا دهید و خاموش باشید شاید مشمول رحمت خدا شوید».

## ۲-۷. سکوت هنگام ناآگاهی

زمانی که سکوت به دلیل عدم علم و آگاهی باشد، پسندیده است. انسان بهتر است دم فرو بندد که به صلاح نزدیکتر است؛ زیرا علاوه بر مسئولیت شرعی و عقاب آخروی موجب بی اعتباری و سلب اعتماد دیگران می شود، (فیض کاشانی، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۲).

از میان سکوت و کلام، اگر انسان از آفات کلام در امان بماند، افضل از سکوت است. سخن نافع و کلام حق موجب دوری از آتش جهنم و رسیدن به مقامات الهی است. سکوتی که انسان را از آتش جهنم مصون نمی دارد، سکوت غافلین است، (سید رضی؛ نهج البلاغه، ص ۶۶۹).

سکوت در باره آنچه که نمی دانیم، نیز یک آموزه تربیتی است:

«لَا تَقُولُوا بِمَا لَا نَعْرِفُونَ، فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُنْكِرُونَ»

پس آنچه نمی دانید، نگویید؛ زیرا بسیاری از حقایق در اموری است که ناآگاهانه انکار می کنید»، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ص ۱۴۹).

## ۲-۸. ارزش مندی نفس سکوت

۱- در اسلام، هر کاری که با قصد قربت خدا، انجام گیرد، از ثواب الهی بهره مند می شود، و اگر بدون قصد قربت باشد، ثوابی بر آن مترتب نیست. بعضی از کارها هستند که اگر با قصد قربت هم نباشد، (مثل اینکه از روی عادت باشد) اثر وضعی آن کار، نتیجه خوبی دارد، مانند سکوت از غیبت، تهمت، افترا، دروغ و غیره که اگر حتی از روی عادت هم باشد، چون زبان از چنین گناهایی حفظ می شود، پس سود دارد، گرچه اگر به قصد قربت باشد از ثواب های عظیمی بهره مند می شود، (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۲۷۸).



۲- در روایات برای سکوت فضیلت بسیار شمرده شده و افراد بدان ترغیب گشته اند، از جمله:

«حضرت داوود (ع) به فرزندش سلیمان(ع) فرمود: فرزندم، اگر کلام از نقره باشد، شایسته است سکوت را طلا بدانی.»

امام باقر (ع) فرمود: شیعیان ما [از بس در تداوم سکوت محافظت دارند، به گمان مردم] لاله ستند و امام علی (ع) فرمود: هر گاه عقل کامل گردد، سخن کم می گردد.

۳- معلوم است که سکوت در مقایسه با سخن گفتن بیهوده و لغو یا غیبت، تهمت و سخن چینی [که از گناهان کبیره هستند] بسیار افضل است و غالب انسان ها هم یا از امور بیهوده و بی ارزش سخن می گویند، یا سخن آنان غیبت و تهمت است. بنابراین سکوت برای غالب انسان ها افضل است و روایات مذکور، ناظر به این حکم غالبی است، اما اگر افرادی بتوانند نیکو و بجا سخن بگویند و سخن آنان حکمت، علم، امر به معروف، نهی از منکر باشد، چنین سخن گفتن البته بهتر از سکوت است و چنین افراد توانمندی نباید با استناد به احادیث فضیلت سکوت، از سخن گفتن خودداری ورزند، بلکه برای آنان سخن گفتن خیر و فضیلت است و سکوت، گناه و معصیت و دیگران هم باید به این مرتبه از توان صعود کنند تا کلام آنان از سکوت شان برتر شود، (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۹۹).

۴- امام سجاد (ع) فرمود: سکوت و کلام هر دو آفاتی دارند و اگر از آفت به دور باشند، کلام از سکوت، افضل است، زیرا خداوند انبیا و جانشینان را مأموریت به سکوت نداده، بلکه آنان مأمور به سخن گفتن می باشند و کسی با سکوت از حق مستحق بهشت نمی شود، به ولایت خدا نمی رسد و از جهنم نجات نمی یابد. همه اینها در گرو سخن گفتن است و اصولاً ماه [سکوت] با خورشید [کلام حق] قابل مقایسه نیست. شما حتی فضیلت سکوت را با کلام، بیان می کنید، ولی نمی توان فضیلت کلام را با سکوت بیان کرد، (همان).

۵- مانع سنگدلی؛ از بعضی روایات استفاده می شود که پَرگویی مایه قساوت و سنگدلی است. امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت مسیح علیه السلام می فرمود: جز به ذکر خدا سخن زیاد نگویند، زیرا کسانی که در غیر ذکر خدا بسیار سخن می گویند، دل های پر قساوت دارند، ولی خود نمی دانند، (همان).

۶- راهنمایی به سوی علم و نیکی؛ امام رضا علیه السلام که می فرمایند:

«سکوت نه تنها از اسباب علم و دانش است، بلکه راهنما به سوی هر خیر و نیکی می باشد».

و نیز می فرمایند: «سکوت محبت می آورد، به خاطر این که بسیاری از رنجش ها و عداوت ها از نیش زبان و تعبیرات نامناسب در باره اشخاص حاصل می شود و این سکوت انسان را از آن نجات می دهد».

از این روایت به خوبی استفاده می شود که رابطه دقیق بین باور شدن فکر و اندیشه با سکوت وجود دارد. هنگامی که انسان سکوت پیشه می کند، این نیروها متمرکز می گردد و فکر و اندیشه را به کار می اندازد و حکمت را به سوی انسان می گشاید. به همین دلیل، مردم سخن گفتن بسیار را دلیل کم عقلی می شمارند و افراد کم حرف و سخن های بیهوده بسیار می گویند»، (همان).

از آن حضرت روایت است:

«خاموشی دری از درهای حکمت است. پس هر که دهان خود را بست، در حکمت بر او گشوده می شود».

از این کلام آشکار است که صمت و خاموشی با وجود سهولت و آسانی آن نافع ترین چیزها برای انسان است و برای برخی سخنان، اگرچه فواید هست، اما امتیاز میان خوب و بد سخن نهایت صحبت دارد. علاوه بر این، چون زبان را رها کردی، اقتضار بر سخنان بی عیب مشکل است. هنگامی که مؤمن را خاموش دیدید، به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القا می کند. مؤمن کمتر سخن می گوید و بسیار عمل می کند، در حالی که منافق بسیار سخن می گوید و کمتر عمل می کند. امام رضا علیه السلام فرمودند:

«سکوت دری از درهای دانش است. سکوت حکمت می آورد و دلیل و راهنمای همه خیرات است، (رضایی،

۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۸۰).

۷- آراستگی به وقار؛ بدون شک یکی از آثار سکوت آراسته شدن به زیور و وقار است؛ همان گونه که در

حدیث از حضرت امام امیر المؤمنین علی علیه السلام می خوانیم:

«الصَّمْتُ يُكْسِيكَ الْوَقَارَ وَ يَكْفِيكَ مَوْنَةَ الْاِعْتِدَارِ؛

خاموشی، خلعتِ وقار بر تو می پوشاند و زحمت پوزش خواهی را از دوش تو بر می دارد»، (شیخ صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۷).

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

«سکوت یاور خوبی در بسیاری از موارد است. هرچند سخنگوی فصیحی باشی. خاموشی از اخلاق انبیا و شعار اصفیاست و باعث جمعیت خاطر و افکار موجب دوام هیبت و وقار و فراغت برای ذکر و عبادت و سلامتی در دنیا و آخرت می شود».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که خاموشی دری از درهای حکمت است، هر که دهان خود را بست و در حکمت بر او گشوده می شود، (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۷۷).

و نیز در جای دیگر فرمودند: «مردم سه طائفه اند؛ غانم، سالم، هالک. غانم کسی است که ذکر خدا کند. سالم کسی است که سکوت را شعار خود سازد. هالک کسی است که به سخنان باطل فرو رود، (نراقی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۶۲).

انسان هرچه زیادتر سخن بگوید، تبعات احتمال ارتکاب به گناهانش افزایش می یابد و طولانی تر شود و احتمال خطا کمتر می شود. انسان عاقل کسی است که بیشتر می اندیشد و کمتر سخن می گوید. امام علی علیه السلام می فرمایند:

«اِذَا قَلَّ الْخَطَابُ، كَثُرَ الصَّوَابُ؛

هرگاه خطاب کمتر باشد، درستکاری در آن زیاد و خطا کمتر می شود»، (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۶۳).

### ۳. مصادیق سکوت ناپسند (مذموم، منفی) از منظر اسلام

سکوت منفی دارای انواعی است که به آنها اشاره می شود

#### ۳-۱. سکوت بی تفاوتی

گاهی اوقات برای بعضی از انسان ها خوب یا بد تفاوتی ندارد، و سکوتشان هم ناشی از همین موضعی است، که به آن سکوت بی تفاوتی گفته می شود. خداوند در قرآن کریم ساکتان بی تفاوت را با مجرمان شریک دانسته و لعنت نموده است:

«وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّايَ رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ، (سوره اعراف / ۱۶۴)؛

و آن گاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا قومی را پند می دهید که خدا هلاکشان خواهد کرد و به عذابی دردناک مبتلا خواهد ساخت؟ گفتند: تا ما را نزد پروردگارتان عذری باشد. و باشد که پرهیزگار شوند».

### ۲-۳. سکوت سستی و بی حالی

این نوع سکوت با سکوت بی تفاوتی، فرق دارد. بی تفاوت ها اصلاً به میدان نمی آیند که سستی کنند یا نکنند، اما افراد سست و بی حال در میدان حاضرند، اما در انجام وظیفه کاهل بوده و بهانه می گیرند. بی تفاوت ها به ظاهر نه در طرف حقند نه در جبهه باطل؛ هرچند که بی تفاوتی آنها خود نوعی کمک به باطل است، اما سست عنصر ها از بی تفاوت ها ضرر بیشتری دارند.

### ۳-۳. سکوت ترس و سازش

نوع دیگری از سکوت منفی ناشی از ترس است که منجر به سازش کاری با منکر می گردد. این نوع سکوت با سکوت مثبت (تقیه) متفاوت است. ترس ناشی از تقیه را خداوند امضا کرده است. این نوع ترس موجب فساد در دین می شود و لذا از آن نهی شده است، سکوت ترس و سازش موجب تنها ماندن جانب حق، جسارت و تقویت باطل و فساد در دین می شود.

### ۳-۴. سکوت دنیاطلبی

یکی از عوامل سکوت منفی دنیاطلبی است. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا، (سوره انسان / ۲۷)؛

اینان این دنیای زودگذر را دوست دارند و آن روز دشوار را پس پشت می‌افکنند».

### ۳-۵. سکوت رضایت به باطل

بدترین سکوت همین نوع است. کسانی که این نوع سکوت را اتخاذ می‌کنند، در واقع در کنار باطل و علیه حق ایستاده‌اند. خداوند متعال این افراد را همانند ظالمان و مجرمان شناخته و همان عذاب را نیز برایشان در نظر گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«العاملُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ لَهُ وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَتَهُمْ»، (کلینی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۳۳)؛

کسی که ظلم می‌کند و کسی که کمک به ظلم می‌کند و کسی که راضی به ظلم است همه با هم شریک هستند».

### ۳-۶. سکوت در برابر ظلم و فساد

اگر روایات سکوت را این‌گونه تفسیر کنیم که انسان باید در هر حال حتی در برابر ستم ستمکاران و افساد مفسدان مهر سکوت بر لب زده و فریاد برنیاورد، چنین تفسیری بی‌تردید مخالف ضرورت شرع انور است که امر به معروف و نهی از منکر را از اهم واجبات شمرده و سکوت در برابر ظلم را گناهی بزرگ می‌داند. اگر در برابر مفساد و مظالم بنا بر سکوت باشد، کیان اسلام به خطر می‌افتد. در این‌گونه موارد اسلام دستور می‌دهد که مهر سکوت را بشکنید و داد بزنید و فریاد برآورید و مردم را نیز علیه فساد و ستم برانگیزانید، چراکه اگر خاموش بنشینید گناه است، (محمد امین، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

در حقیقت، کسانی که در این‌گونه موارد سکوت می‌کنند، اصل مسلم قرآنی را نادیده انگاشته‌اند و آن اصل امر به معروف و نهی از منکر است که از اهم فرایض به شمار می‌رود و در قرآن مجید و روایات اهل بیت (علیهم السلام) تأکید زیادی بر آن شده است و از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، نکوهش شده و آنها را مستوجب غضب و خشم خداوند دانسته‌اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«خدای عزوجل دشمن دارد بنده ضعیفی را که دین ندارد. سؤال شد: مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود: آن کس که نهی از منکر نمی‌کند»، (همان، ص ۸۲).

اگر قرار بود که انسان همیشه سکوت کند و از منکر و زشتی جلوگیری نکند، امام باقر (علیه السلام) نمی‌فرمود:

«وَيْلٌ لِّقَوْمٍ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، (همان، ص ۵۳)؛

بد به حال مردمی که امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه خود نمی دانند».

زیرا بی تردید اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا نشود، هیچ یک از واجبات به پا داشته نخواهد شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۰، ص ۸۷)؛

به پا داشتن دیگر فرایض و واجبات بستگی به امر به معروف و نهی از منکر دارد».

و امیر مؤمنان (علیه السلام) در باره امر به معروف و مبارزه با منکرات می فرماید:

«و أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ، (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۴)؛

سخن عادلانه و حقی است که در برابر پیشوایی ستمگر گفته شود».

۱- سکوت در برابر باطل: امام صادق علیه السلام فرمودند:

سخن گفتن به حق، بهتر از سکوت بر باطل است، (حر عاملی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

۲- سکوت در برابر شر و خرافه پرستی درحقیقت یک بیماری است این سکوت به انسانیت است.

۳- آنجا که بیان حق لازم است، سکوت حرام است.

۴- در دفاع از مظلوم، سخن گفتن از سکوت ارزش بیشتری دارد.

۵- سکوت و کتمان در برابر طاغوت ها، دین فروشی در برابر سرمایه داران و عوام فریبی از خطراتی است که

علما را تهدید می کند، (علامه مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۲۹).

۶- سکوت و رضایت در گناه شرکت در گناه محسوب می شود. سکوت علما یعنی صدای بسط تعصب و جهل،

یعنی توقف، و توقف در جهان مدرن و عصر ارتباطات به معنای سکون و درجا زدن نیست، بلکه به معنای

عقب نشینی است. پیامبر اسلام (ص) می فرمایند:

«زبان مؤمن پشت قلب او و قلب منافق پشت زبان او است»، (همان، ص ۲۵).

یعنی مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید، نخست می اندیشد. اگر نیک بود، می گوید. اگر ناپسند بود، از

گفتن آن خودداری می کند، اما شخص منافق آنچه بر زبانش جاری می شود، می گوید و نمی داند کدام

سخن به سود او و کدام به ضررش تمام می شود. بنابراین حفظ زبان از گناه و آلودگی ها موجب نجات انسان است.

## نتیجه

در این تحقیق به تبیین مصادیق سکوت از منظر اسلام پرداخته شده است. کلمه سکوت در کتب لغوی ذکر شده که همه یک مفهوم را می رساند و آن خاموشی و عدم اظهار عقیده است. سکوت به صورت کلی به دو بخش (سکوت ممدوح و سکوت مذموم) تقسیم می شود. مصادیق سکوت ممدوح عبارتند از: ۱- سکوت حکمت؛ ۲- سکوت تقیه؛ سکوتی است که از سر ناچاری و ناگزیری اتخاذ می شود؛ ۳- سکوت تربیت و تهذیب: در مکتب اسلام و آموزه های تربیتی آن سکوت جایگاه ویژه ای دارد، این عمل می تواند برای خود شخص موجب تزکیه نفس باشد و برای دیگران تربیت را به همراه داشته باشد؛ ۴- سکوت موجب تعمق تفکر و استواری عقل: خاموشی و سکوت زمانی مطلوبیت خود را پیدا می کند که از سر اندیشه و عقل باشد، وگرنه هیچ گاه مطلق سکوت و خاموشی دائم، پسندیده نیست. یکی دیگر از آموزه های تربیتی «کم گویی» است؛ ۵- سکوت افضل از سخن بیهوده است؛ ۶- سکوت هنگام تلاوت قرآن؛ ۷- سکوت هنگام ناآگاهی؛ زمانی که سکوت به دلیل عدم علم و آگاهی باشد پسندیده است انسان بهتر است دم فرو بندد که به صلاح نزدیکتر است؛ ۸- ارزش مندی نفس سکوت؛ در اسلام، هر کاری که با قصد قربت خدا، انجام گیرد، از ثواب الهی بهره مند می شود، و اگر بدون قصد قربت باشد، سکوت مانع سنگدلی است.

مصادیق سکوت مذموم عبارتند از: ۱- سکوت بی تفاوتی؛ ۲- سکوت سستی و بی حالی؛ ۳- سکوت ترس و سازش؛ ۴- سکوت دنیاطلبی؛ ۵- سکوت رضایت به باطل؛ ۶- سکوت در برابر ظلم و فساد.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، سید رضی؛ نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.

## کتاب های فارسی

- ۱- امین، محمد، هیئت اخلاق اسلامی، ترجمه سید صادق شفاغی زاده، قم، دار الانصار، ۱۳۸۵ ش.
- ۲- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، بی تا.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، محقق: شفیعی، حسین، چاپ پانزدهم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸ ش.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
- ۵- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب الی الصواب، ترجمه علی سلگی نهاوندی، قم، ناصر، ۱۳۷۶ ش.
- ۶- رضائی، سید عبدالحسین؛ الروضة در مبانی اخلاق، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
- ۷- صفاخواه، محمد حسین، گلچین صدوق، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۶ ش.
- ۸- صابری یزدی، علی رضا و انصاری محلاتی، محمد رضا؛ الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۳۷۵ ش.
- ۹- فیض کاشانی، ملا محسن؛ المحجۀ البيضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ دوم، بی تا.
- ۱۰- موسوی خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۱- محمدی، محمد مهدی و مقدس نیان، محمد، آداب معاشرت، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۲- مهدوی کنی، محمد رضا، اخلاق عملی، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۳- معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات زرین، چ سوم، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ نهم، ۱۳۸۶ ش.



۱۵- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، بی چا، صدرا، تهران، ۱۳۹۰ش.

۱۶- نراقی، مهدی بن ابی ذر، علم اخلاق اسلامی (ترجمه کتاب جامع السعادات)، حکمت، ۱۳۷۹ش.

۱۷- همدانی، عبد الصمد، بحر المعارف، تهران، حکمت، چ چهارم، ۱۳۸۱ش.

#### کتاب های عربی

۱- ابن ابی الحدید، عز الدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۳۷ش.

۲- حر عاملی، محمد بن حسن، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام، ترجمه محمد علی فارابی، یعسوب عباسی علی کمر، مشهد، آستان قدس، چ پنجم، ۱۳۸۰ش.

۳- شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، تهران، علمیه اسلامیة، بی تا.

۴- طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه عطاردی قوچانی، عزیز الله، تهران، عطارد، ۱۳۷۴ش.

۵- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، الفجر، بیروت، ۱۴۲۸ق.

۶- مجلسی، محمد باقر، الإیمان و الکفر بحار الانوار، ترجمه عطاردی قوچانی، عزیز الله، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۷۸ش.